نگاهی از منظر روان شناسی تربیتی به یک برگه امتحانی متفاوت که در فضای مجازی دست به دست می شود

# ماموریت دشوار ارزیابی آموخته‌ها

نرگس عزیزی | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

**سوژه روز**

**سوالات امتحانی چهارشنبه هفته گذشته درس فلسفه مقدماتی غرب را دیده اید؟ یک امتحان با تنها دو سوال. در این بین نه تنها تعداد سوالات که نوع آن ها نیز برای برخی تعجب برانگیز بود. بسیاری آن را تحسین کردند و البته برخی نیز در مقابل آن موضع گرفتند و آن را روشی ناکارآمد در ارزیابی قلمداد کردند اما روان شناسی تربیتی در قبال این برگه چه موضعی دارد؟ قبل از هر چیز، توصیه می کنیم که سوالات این برگه امتحانی را با نگاهی به عکس چاپ شده اش در این مطلب بخوانید.**

### سطوح اهداف یادگیری

پیش از هر چیز بهتر است به دسته بندی اهداف یادگیری در روان شناسی تربیتی نگاهی بیندازیم. متخصصان روان شناسی تربیتی اهداف آموزشی را در سه حوزه، شناختی، عاطفی و رفتاری تعریف می کنند و برای هر کدام از این حیطه ها سطوح مختلف را در نظر می گیرند. توجه داشته باشید که از نظر متخصصان یادگیری، معلمی موفق است که بتواند اهداف خود را در سطوح بالاتر تعریف کند و البته روش ارزشیابی خود را هم متناسب با آن ارتقا دهد. اهداف در حوزه شناختی که در این جا مورد بحث ماست، در سطوح زیر تعریف می شوند. اولین سطح آموزش، کسب دانش درباره موضوعی مشخص است. بعد از آن درک و فهم یعنی بتواند فرد آن را خلاصه کند و مثال بزند. در سطح سوم کاربرد، فرد باید بتواند از دانش کسب شده، استفاده کند. مرحله بعد تجزیه و تحلیل است. این که فرد بتواند دانش جدید خود را مورد تجزیه قرار دهد و ارتباط آن را با آن چه پیش از این یاد گرفته بوده، برقرار کند. مرحله بالاتر اما ترکیب است. این که فرد بتواند به مدد دانش جدید خود، محصولی جدید خلق و آن را به شکلی متفاوت صورت بندی کند. در نهایت و در عمیق ترین سطح، فرد باید بتواند آن چه را یاد گرفته است، مورد ارزیابی قرار دهد و حتی آن را ارزش گذاری کند.

### چنین برگه های امتحانی، خوب است یا بد؟

حالا بیایید نگاهی به آخرین برگه امتحانی دکتر «محمدمهدی اردبیلی» بیندازیم. در این برگه تنها دو سوال مطرح شده است. سوالاتی که اشاره شده قرار نیست پاسخ آن ها در کتاب پیدا شود. پس می توانیم مطمئن باشیم که سطح این سوالات از دانش و حتی درک و فهم مواد آموزشی بالاتر است اما این دو سوال قرار نیست کاربرد آموزش های پیشین را نیز بسنجند. در واقع همان طور که در توضیح خود سوالات نیز آمده است، پاسخ به این سوالات قرار است بر مبنای تحلیل شخصی دانشجویان باشد. اما چرا دیدن سوالاتی در سطح چهارم و تا حدی سطح پنجم اهداف یادگیری از دید بسیاری از ما خاص و استثنایی است؟ واقعیت این است که در زمان آموزش، بسیاری از معلمان تنها به سطوح یک و دو بسنده می کنند و حتی وارد سطح سوم که کاربرد هست نیز نمی شوند. چرا که نه تنها آموزش در سطوح بالاتر دشوار است بلکه طراحی روش های ارزیابی نیز در آن سطوح پیچیدگی های بیشتری دارد. از سویی دانشجویان زیادی نیز در مقابل سنجش در سطوح بالاتر مقاومت دارند چرا که سنجش سطوح بالاتر پاسخ های از پیش مشخصی نداشته و همین می تواند به اضطراب بیشتری منجر شود اما محدود کردن خود به سطوح پایین تر شاید بتواند به امتحانی قابل پیش بینی تر و البته آرامش بیشتری منجر شود اما مسائل دیگری را به دنبال دارد؛ آن ها نمی توانند ذهن ما را ورزیده کنند و البته که به ما فرصت به کارگیری آموخته های جدید در زندگی واقعی را نیز نمی دهند.

دانشگاه سیستان و بلوچستان
گروه فلسفی
نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۹۷
نام و نام خانوادگی:
شماره دانشجویی:
تاریخ امتحان: ۹۷/۹/۲۹
ساعت امتحان: ۱۰ الی ۱۱:۱۵
مدت امتحان: ۷۵ دقیقه
امتحان پایان ترم درسی: فلسفه مقدماتی غرب

دانشجوی گرامی، با سلام

بخش قابل توجهی از اطلاعات درسی موجود در ذهن شما، در حافظهٔ کوتاه‌مدت شما ذخیره شده و به زودی فراموش خواهد شد. اینکه شما در طول ترم یا ایام امتحان چه خواهدید و چگونه خواهید، به خودتان مربوط است و آینده شما را، خوب یا بد، موثر یا مضر، رقم خواهد زد. از آنجا که «فلسفه» رشتهٔ امتحنی شما محسوب نمی‌شود، ملاک ارزیابی شما حجیم پرشدهٔ حافظه‌تان نیست، بلکه تلاش شما برای فکر کردن و جسارت شما در مبارزه با استوره‌های ذهنی خود و جامعه‌تان است. در نتیجه، پرسش‌های زیر همگی تحلیلی هستند و مبتنی بر حافظیات شما نیستند. به این پرسش‌ها بر اساس تاملاتتان در جلسهٔ امتحان پاسخ دهید. لطفاً مجمله نکنید و از ارائهٔ پاسخ‌های کلیشه‌ای بپرهیزید. فراموش نکنید که شما بنا نیست پاسخ این پرسش‌ها را از پیش بدانید یا حفظ باشید. همچنین شما بنا نیست سخنان من را تحویل خودم بدهید. این پرسش‌ها، پاسخی واحد و از پیش آماده ندارند. بلکه شما بناست پاسخ‌های خودتان را خلق کنید. پاسخ به این پرسش‌ها همچنین می‌تواند شامل به چالش کشیدن اصل خود سوال نیز باشد. پس لطفاً پیش از نوشتن هر پاسخی، اندکی «فکر» کنید. (بارم هر سوال ۵ نمره است)

۱. آیا دوست دارید نامیرا باشید؟ چرا؟ خود را جاودان و نامیرا تصور کنید: این تصور برایتان ترسناک است یا لذت‌بخش؟ اگر مرگی در کار نبود، آیا جاودانگی جذابیتی می‌داشت؟

۲. حقیقت چیست؟ آیا ما واقعاً به دنبال شناخت حقیقتیم؟

در اندیشیدن شجاع باشید...
محمدمهدی اردبیلی «دی‌ماه ۱۳۹۷»

پاسخ استاد «اردبیلی» به دلایل پرسیدن چنین سوالاتی در امتحان از دانشجویان

## هدفم صرفا سوق دادن دانشجویان به تامل است

انتشار برگه امتحانی متفاوت در شبکه های اجتماعی با استقبال قابل توجهی روبه رو شد و بسیاری از حرکت این استاد، تقدیر کردند. پیگیری خبرنگار زندگی سلام برای داشتن مصاحبه ای با این استاد و پرسیدن سوالاتی درباره چرایی این نوع سوالات برای امتحان، بازخورد استادان دیگر و دانشجویان، ارزیابی شان از پاسخ های دانشجویان، نحوه پاسخ دادن خودشان به چنین سوالاتی و ... با این پاسخ دکتر «اردبیلی» مواجه شد: «سلام. ممنون از لطف تان. راستش من مدت هاست که دیگر با هیچ روزنامه ای مصاحبه نمی کنم. درباره اون برگه هم من نقطه نظرم رو در سوالات گفتم و حرفی ندارم. دیگران باید نقد بکنند و خود من هم خواهم خواند و استفاده خواهم کرد. به هر حال ممنون که از من دعوت کردید برای مصاحبه. ارادت» با این حال و فقط در پاسخ به این سوال که «اگر خودتان بخواهید به یکی از این سوالات عجیب امتحانی تان پاسخ دهید» پستی را قبلا در اینستاگرام شخصی شان منتشر کرده بودند که خواندنش خالی از لطف نیست:

### این پرسش ها اصلاً پاسخ مشخص و معینی ندارد

سال گذشته این پرسش را در یکی از امتحاناتم مطرح کرده بودم که «چگونه می توان حقیقت را به دست آورد؟» یکی از دانشجویانم به تازگی از من خواست که خودم به این پرسش پاسخ دهم و طفره رفتن من از پاسخ به آن را مورد انتقاد قرار داد («چرا خودتان به سوالی پاسخ نمی دهید که ما را مجبور به پاسخگویی به آن کردید؟»). البته همه ما می دانیم که این پرسش، اصلاً پاسخ مشخص و معینی ندارد و هدف من هم صرفاً سوق دادن دانشجویان به تامل در باب یکی از مفاهیم رایجی بود که شاید از فرط استعمال تاکنون به معنایش فکر نکرده ایم اما به دلیل احترامی که برای این دانشجوی دغدغه مند قائل بودم، متن کوتاه زیر را برایش فرستادم که اگر مثلا من در سر جلسه امتحان با چنین سوالی مواجه می شدم، چطور به آن پاسخ می دادم.

# ۹ ویژگی که همه بازنده ها دارند

**موفقیت**

**تعریف افراد از بازنده بودن متفاوت است. عده ای عقیده دارند بازنده فردی است که هیچ کار و پول یا حتی دوستی ندارد اما من فکر می کنم اگر شما به هدف هایی که برای دست یابی به آن ها برنامه ریزی کرده اید دست نیافته اید، یک بازنده اید. به گزارش «برترین ها»، اگر ویژگی های زیر را دارید، باید منتظر باشید تا لقب «یک بازنده» بر شما برچسب شود!**

۱ **ثبات و استحکام ندارند**: ثبات یعنی این که ارزش ها، طرز فکرتان و آن چه که می گویید با هم در یک جهت باشند. شاید بگویید یک قاتل زنجیره ای ثبات دارد زیرا این شخص طبق پیمانی که با خود بسته، فکر می کند، حرف می زند و آدم می کُشد اما همه می دانیم که هدف او، ارزش انسانی ندارد زیرا ارزش اساسی وجود انسان، دوست داشتن و مورد عشق واقع شدن است.

۲ **غیبت می کنند**: اگر آدمی هستید که معروفید به غیبت کردن و شایعه پراکنی و حرف مفت زدن، پس یک بازنده اید، چون هیچ فردی به شما اعتماد نمی کند.

۳ **بدبینی مزمن دارند**: درباره کمی بدبینی که هر از گاهی سراغ همه ما می آید، صحبت نمی کنم. بدبینی مزمن خیلی فراتر از این هاست. بدبینی همیشگی و بی رحمانه ای که باعث می شود دیگران از شما فرار کنند و نتوانید زیبایی های زندگی را ببینید از شما یک بازنده می سازد. چنین بدبینی، سرکوب کننده و فلج کننده است.

۴ **دست افتاده ای را نمی گیرند**: فرقی نمی کند مشغول چه کاری هستید، هرگز نباید از کسی که به کمک نیاز دارد به راحتی بگذرید. اگر می توانید ببینید کسی روی زمین افتاده و رد شوید، اگر می توانید کودکی را که در خیابان گریه می کند نادیده بگیرید یا اگر می توانید درخواست کسی را که از شما کمک خواسته به راحتی رد کنید، پس یک بازنده اید.

۵ **خودشان را باور ندارند**: بدون تردید اگر کسی نتواند اول به خودش احترام بگذارد به هیچ کس دیگر هم نمی تواند احترام بگذارد. اگر شما نتوانید خودتان را به عنوان یک انسان باور داشته باشید چگونه می توانید از دیگران حمایت کنید و آن ها را تحسین و تکریم کنید؟

۶ **زود دست از تلاش می کشند**: منظور، دویدن روی تردمیل نیست! بلکه هدف من، دنبال کردن آرزوها و به اتمام رساندن کاری است که شروع کرده اید و داشتن بلند همتی و ایمان به ارزش های درونی است، حتی اگر به معنی جان سپردن برای اهداف تان باشد.

۷ **ذهن شان بسته است**: فهم و ادراک ما به سه قسمت تقسیم می شود: چیزی که می دانیم، چیزی که می دانیم نمی دانیم و چیزی که نمی دانیم نمی دانیم. اگر ذهن کسی بسته و محدود باشد، سومی را فراموش می کند و چیزهایی همیشه کشف نشده باقی می ماند. اگر قبول نداشته باشید که همه چیز را نمی دانید، زندگی تان همیشه تاریک و گنگ خواهد ماند و شما یک بازنده اید!

۸ **هیچ مسئولیتی نمی پذیرند**: از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردن و دیگران را سرزنش کردن فقط حل مسئله را به تاخیر می اندازد و مشکل را پیچیده تر می کند. اگر یک بازنده باشید هرگز مسئولیت قبول نخواهید کرد و آن کسی نیستید که حداقل دنیای خودش را بخواهد تغییر بدهد. بازنده ها دقیقا این شکلی اند!

۹ **بدجنس و نفرت انگیزند**: انگار هیچ کس از سر عشق به بازنده ها احترام نمی گذارد چون فرومایه اند. اگر احترامی هم باشد از روی ترس و اجبار است که جنبه منفی بازنده ها را تقویت می کند.

# از کجا بفهمم دختر ۱۷ ساله‌ام آماده ازدواج است؟

**خانمی ۳۵ ساله ام. دختری ۱۷ ساله دارم که به ادعای همه فامیل خانه داری اش نمونه است. چند وقتی است که خواستگار راه می دهیم. کمی نگرانم که آیا او واقعا برای ازدواج آماده است یا نه؟ خودش هم موافق ازدواج است. چه ملاک هایی را باید بررسی کنم که از آمادگی اش برای ازدواج مطمئن شوم؟**

مهسا جعفری نسب | کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

**مشاوره ازدواج**

مادر گرامی، یکی از پیش نیازهای لازم برای رسیدن به رشد و آمادگی در دوره جوانی، گذر از بحران نوجوانی و هویت یابی است که در این مرحله فرد باید بتواند به هویت منسجم دست یابد و قدرت تصمیم گیری صحیح را در خودش پرورش داده باشد. در غیر این صورت در مرحله جوانی که به آن مرحله دلبستگی و صمیمیت می گوییم نمی تواند به درک درستی از خودش دست یابد. اگر فردی نتوانسته باشد درباره خودش به شناخت کامل رسیده باشد و نداند که در موقعیت های بحرانی و مشکل زای زندگی خودش چگونه بر حل آن فائق آید، چگونه می تواند نفر دومی را به عنوان همسر خود برگزیند و به او ابراز محبت کند و هویت او را در کنار هویت خودش بپذیرد. هر چند در ابتدای روابط عاطفی، محبت را در بین زوجین مشاهده می کنیم ولی متاسفانه این محبت ها موقت هستند و با شروع مشکلات کم کم رنگ می بازند مگر این که هر دو فرد به آمادگی کاملی برای حل مسائل و هویت شخصی دست یافته باشند. اگر فردی از دوره نوجوانی عبور کرده و هنوز هم به هویت یابی دقیق از خودش دست نیافته است، وقت آن رسیده که به شناخت دنیای خود، شناخت حقوق و علاقه مندی ها، تعیین اهداف در زندگی شخصی و در مجموع به این که من که هستم و قرار است در دنیا چه کاری انجام دهم و معنای زندگی بپردازد.

### دانستن معیارها و ملاک های لازم برای ازدواج

قرار نیست که ما ۱۰ ملاک را برای انتخاب فرد مد نظر در ذهن مان داشته باشیم و تا زمانی که فردی با این ۱۰ ویژگی پیدا نشد، ازدواج نکنیم بلکه هدف این است که بدانیم ملاک های مد نظر من به عنوان یک فرد برای ازدواج چیست سپس به اولویت بندی این ملاک ها بپردازیم و به ملاک هایی که اولویت بالایی دارند اهمیت دهیم و به دنبال این ملاک ها در فرد مد نظر باشیم.

### سن مناسب هم مسئله مهمی است

مسئله سن در ازدواج بسیار مهم است. متاسفانه بعضی ها فارغ از بررسی دیگر ملاک های ازدواج فقط معتقدند که هر چه دختر و پسری کوچک تر باشند و ازدواج کنند، احتمال طلاق شان کمتر است پس بهتر است. این نگرش باعث می شود که جوانان به انتخاب درستی دست نزنند و به رغم نداشتن شناخت صحیح از فرد و از روی اجبار خانواده یا فرار از مشکلات دست به ازدواج بزنند. آمادگی قبل از ازدواج و شناخت خود فرد و شناخت ملاک ها مهم ترین مسائل در ازدواجی صحیح هستند و تا زمانی که فرد نتواند به این ملاک ها دست یابد، باید ادعا کنیم که آمادگی برای ازدواج ندارد.

دکتر مهدی سودآوری
متخصص روانشناسی، استاد دانشگاه و روان درمانگر
تلفن کلینیک: ۳۶۰۷۷۷۲۸
م/۹۷۱۶۰۶۸۷